

مقامات  
چینی در تمام  
اعلامیه‌های  
عمومی خود در  
مورد افغانستان  
در سال ۲۰۲۱،  
هرگز از اشاره  
به مسئولیت  
طالبان در  
کنار گذاشتن  
جنبش اسلامی  
ترکستان  
شرقی و سایر  
شکل‌های  
تروریسم در  
خاک افغانستان  
کوتاه نیامدند

نگرانی چین از تروریست‌های اویغور و جدایی‌طلبانی که از پایگاه‌هایشان در افغانستان دست به عملیات می‌زنند با عقب‌نشینی ایالات متحده از افغانستان شدت پیدا کرد. مقامات چینی در تمام اعلامیه‌های عمومی خود در مورد افغانستان در سال ۲۰۲۱، هرگز از اشاره به مسئولیت طالبان در کنار گذاشتن جنبش اسلامی ترکستان شرقی و سایر شکل‌های تروریسم در خاک افغانستان کوتاه نیامدند. در ملاقات ۲۸ ژوئیه با ملا برادر که قبلاً ذکر شد، وانگ‌یی موفق شد از آنها تعهد بگیرد که از قلمرو افغانستان توسط هیچ نیرویی برای آسیب رساندن به چین استفاده نخواهد شد [۲۰]. در اواخر اکتبر، وانگ‌یی بار دیگر با ملا برادر در دو حه ملاقات کرد و با عباراتی کاملاً روشن و واضح گفت چین از طالبان می‌خواهد روابط خود را با جنبش اسلامی ترکستان شرقی قطع کند. ملا برادر در پاسخ به او بار دیگر قولش را تکرار کرد که به هیچ نیرویی اجازه نخواهد داد از خاک افغانستان برای آسیب رساندن به چین استفاده کند [۲۱].

مقامات چینی احتمالاً چنین وعده‌هایی را در بست نمی‌پذیرند، زیرا قبلاً بارها با چنین وعده‌هایی مواجه شده‌اند. پکن دقیقاً می‌داند طالبان واقعاً در این زمینه چه سوابقی دارد و چگونه جنبش اسلامی ترکستان شرقی را با دست پس می‌زند و فعالیت‌هایش را محدود می‌کند و با پا پیش می‌کشد و همچنان محیط محافظت‌شده‌ای که در حال حاضر مورد تقاضای بیشتر جنبش هم هست برایش فراهم می‌آورد. از این رو چین علاوه بر فشار مستقیم بر طالبان، مجدداً به چند جانبه‌گرایی منطقه‌ای بویژه سازمان همکاری شانگهای و مکانیسم‌های مختلف هماهنگی با کشورهای همسایه از جمله پاکستان، روسیه، ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی روی آورده است. در اواخر اکتبر، وانگ‌یی اعلام کرد این کشورها نیاز به تشکیل «جبهه متحد ضد تروریسم» دارند [۲۲]. مشخص نیست چین در این تلاش تا چه حد ایالات متحده را به خدمت خواهد گرفت، اما هر گونه کمکی که واشنگتن بتواند در مبارزه با تروریسم انجام دهد، بدون توجه به اختلافات چین و آمریکا در سایر زمینه‌ها، مورد استقبال پکن قرار خواهد گرفت.

## تسهیل‌کننده

تلاش‌های چین برای تسهیل روند سیاسی فراگیر در افغانستان مدت‌ها قبل از خروج نهایی ایالات متحده شروع شده بود. با این حال قبل از پیروزی طالبان، این تلاش‌ها معطوف به ایجاد «آشتی» بین طالبان و رژیم تحت حمایت ایالات متحده در کابل بودند. در سال ۲۰۱۰ پکن برای اولین بار اعلام کرد روند آشتی افغانستان باید «به رهبری افغان‌ها و تحت مالکیت افغان‌ها» باشد. پکن در سال ۲۰۱۴ با امید دستیابی به مصالحه سیاسی فراگیر، افزایش توانایی مبارزه با تروریسم و حفظ ارتباط و هماهنگی با ایالات متحده، طرف‌های متخاصم را برای گفت‌وگو گرد هم آورد [۳، ص ۶۲۳]. با این حال به دلیل فقدان دانش عمیق در مورد بازیگران صحنه و مسائل دیگر با آن، نتوانست نقش میانجی را به خوبی ایفا کند. از اوت ۲۰۲۱، چین به حمایت از اصل «به رهبری و مالکیت افغان‌ها» ادامه داده است، با این تفاوت که اکنون موقعیت مسلط طالبان را به عنوان یک عمل انجام‌شده پذیرفته است [۲۳]. بر این اساس، پکن دیگر خود را یک شبه میانجی نمی‌بیند، بلکه بیشتر تسهیل‌کننده‌ای می‌بیند که می‌خواهد به طالبان جهت دهد و آنان را ترغیب کند که بازسازی سیاسی را جدی